فهرست

[اشاره 2](#_Toc31809560)

[ادامه مطلب چهارم: کرامت تکوینی یا تشریعی؟ 2](#_Toc31809561)

[نظر استاد: 3](#_Toc31809562)

[اشکالی به اطلاق آیه نسبت به کرامت تکوینی و تشریعی 4](#_Toc31809563)

[جواب اشکال: 4](#_Toc31809564)

[مطلب پنجم:مفهوم بنی آدم 6](#_Toc31809565)

[احتمالات در مفهوم بنی آدم 7](#_Toc31809566)

[نظر استاد 7](#_Toc31809567)

[مطلب ششم: شمول کرامت نسبت به علاقه و محبت: 8](#_Toc31809568)

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / حب و بغض

## اشاره

مطلب چهارم در آیه شریفه **﴿وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني‏ آدَم﴾**‏[[1]](#footnote-1)بود گفتیم که دو تفسیر در آیه شریفه هست یک تفسیر این بود که کرمنا فقط یک اخبار از ویژگی‌های روحی و طبیعی در انسان است. تفسیر دوم در آیه شریفه این بود که در کرمنا یک انشائی قرار دارد این تفسیر دوم گفتیم چند احتمال و تقریر می­تواند داشته باشد:

تقریر اول این بود که حفظ جایگاه انسان و نوع بشر خود یکی از مصادیق این کرامت است. خدا که می­گوید به انسان کرامت دادیم یعنی جایگاهش باید حفظ شود. حال می­تواند یکی از مصادیق آن علاقه و محبت باشد. کرمنا بنی‌آدم یعنی به او عقل احساس عاطفه قامت استوار و انگشتان ظریف و حواس ممتاز دادیم و یکی هم این است که به او حرمتی دادیم که باید رعایت شود. در این تقریر می­گوید رعایت کردن آن توسط شما مصداق کرامت است. برگشتیم به اینکه در آیه در مدلول مطابقی‌اش تشریعی هست، در این صورت آیه می­گوید کرمنا یعنی به او ویژگی‌های تکوینی دادیم و امتیازات تشریعی هم دادیم. این یک تقریر است. پس تقریر اول این است که در مدلول مطابقی کرامت هم خصائص خلقی و تکوینی نهفته است و هم حقوق تشریعی درباره او و رعایت او در ذیل آیه قرار می­گیرد. این یک تقریر است که ممکن است کسی بپذیرد.

# ادامه مطلب چهارم: کرامت تکوینی یا تشریعی؟

تقریر دوم این است که نه کرمنا یعنی جایگاه تکوینی را به او دادیم. کاری به تشریع مستقیماً و به نحو مطابقی و تضمنی ندارد. کرمنا یعنی به او جان و عقل و احساس و دست و پا و قدرت تصرف در عالم و هستی دادیم. اما این ملازمه دارد با اینکه کسی که خدا به او این ویژگی‌ها را داده بالملازمه یعنی اینکه دیگران هم باید این جایگاه را رعایت بکنند. این کرامت را خدا داده یعنی او موجود ویژه‌ای است که باید مورد احترام قرار بگیرد. این بالملازمه و استلزام است نه بالمطابقه و تضمن. این دو احتمال در آیه هست.

پس چند احتمال در آیه است:

1. اینکه در آیه هیچ تشریعی وجود ندارد، لا بالمطابقه لا بالتضمن لا بالالتزام. فقط می­گوید ویژگی‌هایی به او دادیم که او را آماده امتحان بکنیم.
2. در نقطه مقابل بالایی است و می­گوید کرامت مفهومی دارد که یکی از مصادیقش شأنی است که دارای حقوقی است و دیگران باید آن را رعایت بکنند. یعنی جایگاهی برای او قرار دادیم که یعنی حیثیت و آبرو و علاقه همه مصداق کرامت خداست و برای بشر قرار داده. کرامت یعنی هم امتیازات تکوینی دارد هم امتیازاتی که در مورد جایگاه اجتماعی و حقوقی است که باید رعایت شود.
3. بینابین دو نظر بالا، اینکه بگوییم مدلول مطابقی آیه این است که ما انسان را به این ویژگی‌های خلقی و تکوینی مجهز کردیم تمام شد آیه این را می­گوید. منتها وقتی به تحلیل می­پردازیم می­بینیم که جایگاه تکوینی که خدا به او داده نم­ تواند بدون جایگاه تشریعی باشد. موجودی که این طور محبوب و مورد عنایت خداست این عقلاً یا عقلائاً ملازمه دارد با اینکه قواعدی وجود داشته باشد که حریم او را درست بکند.

سؤال: مفهوم موافقی هم ممکن است از آیه برداشت کنیم و آن اینکه خدا وقتی می­گوید ما او را تکریم می­کنیم پس به‌طریق‌اولی بنی‌آدم باید او را تکریم کنند.

جواب: بله این هم نوعی بیان دیگری است که مانعی ندارد. مثل دیدگاه سوم است. می­گوید حالت تکوینی بشر از بحث‌های تشریعی منعزل نیست مثل دیدگاه اول و مثل دیدگاه دوم نیست که می­گوید در متن مفهوم حقوق تشریعی هم نهاده شده بلکه در دیدگاه سوم می­گوید بالملازمه و از طریق دلالت‌های ثانوی استفاده می­کنیم. یک تقریرش تلازم بود که عرض شد و یک تقریر هم این است که کسی بگوید خدا وقتی او را تکریم می­کند دیگران هم باید تکریم کنند. لذا ممکن است به فحوا هم استناد شود. البته خیلی قوی نیست.

این سه احتمال اساسی و قوی است که در این آیه وجود دارد.

**﴿وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني‏ آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى‏ كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضيلاً﴾**

این کرمنا یک قدر متیقنی دارد که همان کرامت تکوینی است که اینجا وجود دارد اما فراتر از آن هم می­شود گفت که حقوق انسان او هم کرامتی است و آیه هم آن را می­گوید یا اینکه نه مستقیماً نه بلکه بالملازمه از کرمنا انشائی هم بیرون می­آید. این بحث بسیار مهمی است که در دنیا هم مشهور است. مسلمین خیلی جاها وقتی بحث حقوق بشر را مطرح می‌کنند یکی از آیاتی که می­آورند همین آیه است. عده‌ای هم فوراً جواب می­دهند و می‌گویند که نه این کرمنا کرامت تکوینی را می­گوید ربطی به این بحث‌ها ندارد.

## نظر استاد:

گرچه ما ابتدا همان احتمال او را ترجیح می­دادیم که کرمنا فقط امر تکوینی و قانون طبیعی در خلقت بشر برمی‌شمارد اما احتمال دوم را هم خیلی مستبعد نمی­دانیم. زیرا کرامت شامل جایگاه حقوقی و اجتماعی هم می­شود آن وقت ممکن است بگوییم کرمنا از لحاظ لغوی شامل آن هم می­شود. بنابراین مستبعد نیست که کرامت بر دو قسم باشد کرامت طبیعی که انسان متمتع از عقل و ارگانیزم و جسم و جان برتری است و قسم دوم جایگاه اجتماعی که باید آن را حفظ کرد. این هم نوعی از کرامت است و لذا کرمنا می­تواند آن را هم بگیرد. و اینکه بگوییم نمی­تواند بگیرد جایی ندارد.

## اشکالی به اطلاق آیه نسبت به کرامت تکوینی و تشریعی

بله سؤالی اینجا هست و آن اینکه در صورتی می­توانیم بگوییم حتماً آن را می­گیرد که اطلاقی در این کرمنا باشد اطلاقی به نحو استغراقی و شمول دارد که همه کرامت‌ها را به او دادیم. وقتی می­گوید اکرم العالم در موضوع حکم که عالم باشد ما اطلاق استغراقی قائل می­شویم اما در متعلق که اکرام و احسان باشد آن هم اگر اطلاق داشته باشد یعنی هر نوع احسانی را انجام بده که در آن گاهی قرائنی وجود دارد که می­گویند اطلاقی ندارد و حالت بدلی دارد نه استغراقی. لذا جایی که دلیل هم موضوع دارد هم متعلق حکم خیلی جاها موضوع اطلاق استغراقی دارد اما متعلق اطلاقش اطلاق بدلی است اکرم العالم همه عالم‌ها را می­گوید اکرام کن اما همه اکرام‌ها عقل می­فهمد میسر نیست و آن مقصود نیست بلکه هر عالمی یک نوعی اکرامش بکن نه همه نوع اکرام. اینجا هم قصه از همین قرار است. کرمنا داریم و بنی آدم. بنی‌آدم موضوع جمله است به اصطلاح اصولی. بنی‌آدم اطلاق دارد. همه انسان‌ها را می­گیرد. اطلاق استغراقی دارد. مثل اینکه عالم در اکرم العالم اطلاق استغراقی دارد. اما کرامت که متعلق جمله است و هیئت باب تفعیل رویش آمده ممکن است کسی بگوید اطلاق این متعلق اطلاق بدلی است یعنی ما انواعی از کرامت را به انسان دادیم. این طور که شد ولو اینکه کرامت شامل کرامت حقوقی تشریعی جایگاه اجتماعی حقوقی انسان هم می­شود اما چون اطلاقش بدلی است نمی­توانیم بگوییم حتماً اینجا هم هست. این هم ممکن است کسی اشکال را به این شکل مطرح بکند و با مثالی که هم زدند روشن شد وقتی می­گوییم اکرم العالم عالم اطلاق استغراقی دارد ولی اکرام که ماده امر است اطلاق بدلی دارد نه استغراقی. اینجا هم همان است بنی‌آدم که موضوع است اطلاق استغراقی است و همه نوع بشر را می­گیرد و هیچ قیدی هم ندارد که مسلمان و غیرمسلمان و ... و اما کرامت که ماده هیئت کرمنا است اطلاق بدلی دارد نه استغراقی. این هم اشکالی است که ممکن است کسی مطرح بکند.

## جواب اشکال:

این را ممکن است جواب دهیم به این نحو که نه، اصل در اطلاق استغراق و شمول است. در اصول هم بحث کردیم که به نظر می­آید هر جا اطلاق یا عمومی باشد اصل این است که اطلاق داشته باشد قرائن خاصه‌ای می‌آید که آن اطلاق را به بدلیت مبدل می‌کند. در اکرم العالم چرا می­گوییم اکرام اطلاق بدلی دارد برخلاف عالم که استغراقی است؟ زیرا قرینه لبیه داریم که انسان همه نوع اکرام را نمی­تواند انجام دهد. اصلاً تبدیل به غیرممکن و ما لا یطاق است و چون نمی­شود عرف می­گوید اکرم یعنی نوعی از اکرام را ولو به یک مصداق هم محقق می­شود. صرف الوجود با یک مصداق هم محقق می­شود.

حال اینجا اشکالی دارد که بگوییم اطلاق استغراقی دارد؟ ممکن است بگوییم نه اینجا قرینه‌ای نداریم. خدا می­گوید ما همه نوع کرامت را برای انسان قرار دادیم. همه نوعش یعنی آنچه که متصور و ممکن است از کرامت‌ها برای یک موجود به انسان دادیم. خیلی مشکلی ندارد. حال چیزهایی استثنا می­شود و چیزهایی ممکن است برای انسان آن‌ها بیرون می­رود اما بعید است که کرمنا اطلاق بدلی را بگوید. بلکه به عکس می­خواهد بگوید همه کرامت‌ها را به انسان دادیم. این تقریب را اگر کسی بپذیرد هم بنی‌آدم اطلاق استغراقی دارد هم کرمنا. به همه آدم‌ها همه کرامت‌ها را دادیم. جایی هم حالا استثنا می-شود داده نشده دلیل می­خواهد. این بیانی است که اینجا می‌تواند بیاید و بیان روشنفکرانه‌ای است و اگر این بیان را کسی در آیه بپذیرد آن وقت آیه را به این شکل تفسیر می­کند که خداوند هم به انسان در ساز خلقت و تکوین کرامت تامه‌ای داده و هر چه می­شده به او بخشیده و خیلی نزدیک می­شود به آنچه عرفا هم دارند که انسان مظهر تام اسماء و صفات الهی است و هرچه می­شده در انسان تجلی پیدا کرده و علاوه بر این ما به او شرافت اجتماعی و حقوقی هم دادیم. حال اگر کسی معاند شد و در شکل مقابله با ارزش‌ها قرار گرفت استثنایی است ولی اصل این است.

سؤال: ارتباط این آیه با **﴿فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتي‏ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها﴾**[[2]](#footnote-2) این اعمال خود بنی بشر و **﴿ما أَصابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِك﴾**‏[[3]](#footnote-3) ربطی به خدا ندارد....

جواب: بله مهم این است که می­گوییم تکریم شد به همه کرامت‌ها از جمله اینکه حقوقی دارد به او علاقه داشته باش احترام بگذار کمک بکن. آن وقت آیه هم مبنای بحثی فلسفی عرفانی در خلقت انسان می­شود و هم می­شود یکی از آیاتی که مبنای حقوق انسان و بشر است که در روایات آمده که خدا برای او حقوقی قرار داده و با حقوق حیوانات و با جمادات فرق می­کند. حال قدر متیقنش هم این است که انسان به او علاقه داشته باشد توجه به او بکند. این یک تفسیر است.

علی‌رغم اینکه ما قبلاً این تفسیر را نمی­پذیرفتیم و می­گفتیم کرمنای تکوینی است الان این را خالی از ترجیح نمی‌دانیم. حال در روایاتی که ذیل آیه آمده چیزی که دست ما را بگیرد پیدا نکردیم. روایات معمولاً در ذیلش به بعد اول و فاز تکوینی اشاره دارد. اگر چیزی پیدا بکنید خوب است.

سؤال: مطلبی که امیرالمؤمنین می­فرمایند که انسان‌ها دو دسته‌اند

جواب: بله در عهد مالک اشتر نوشته‌ایم. این تفسیری که از این آیه می­کنیم می­گوییم این پایه آن‌هاست. چطور در آنجا می­گفتیم **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾**[[4]](#footnote-4) با تفسیری که انشاء هم در آن است. می­گفتیم **﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾** آیه‌ای است که پایه صد حکم دیگر است. آیه مبنا می‌شود سی یا چهل تا هفتاد هشتاد حقی که بین مسلمانان و مؤمنان است به این ریشه برمی­گردد. حال شبیه آن می­گوییم با ابعاد وسیع‌تری و می­گوییم کرمنا بنی‌آدم درواقع حق بشری و انسانی را جعل می­کند و این پایه است برای خیلی از روایاتی که در مورد انسان داریم با قطع‌نظر از اینکه مسلمان است یا نه. بله غیرمسلمانی که در عناد است استثنا شده یا بقیه استثنائات کنار می­روند ولی اطلاق پیدا می­کند.

سؤال:.....

جواب: بله در فایلی که فرستاده بودید دیدم. لا یکرم روح کافر درواقع استثنا است وقتی که او کفر را انتخاب کرد دیگر اکرام نمی­شود ولی انسان بما هو انسان می­گوید ما حقی برای او قرار دادیم. درواقع نفی نمی­کند و استثنایی به آن نمی­زند.

سؤال:....

جواب: بله لا یکرم روح کافر استثنایی است که به این خورده اما اینکه حقی دارد مثلاً مریضی است که دست و پا می­زند اینجا کافر معاهد یا ذمی است به او توجه بکند این را که استثنا نمی­زند. گوشه‌ای را استثنا می­زند.

سؤال: اخلاق اهل‌بیت هم می­تواند این را تأیید بکند.

جواب: اینها مؤیدات است. حرف ما کمی مستغرب است البته در قانون اساسی ما هم این آیه **كَرَّمْنا بَني‏ آدَمَ** آمده **﴿جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطا﴾**[[5]](#footnote-5) آمده و آن هم مفهومی که در قانون اساسی از آن استفاده شده روشن نیست که استفاده بکند محل بحث است. در مجامع بین المللی و حقوق بشر اسلامی خیلی وقت ها از این آیه استفاده می­کنند. با این تفسیری که ما ترجیح دادیم آن برداشت برداشت درستی می­تواند باشد و مبنای مجموعه حقوقی که حتی غیرمسلمان هم می­تواند داشته باشد می­تواند باشد. این هم یک بحث که ما کمی ترجیح دادیم

# مطلب پنجم:مفهوم بنی آدم

مفهوم بنی‌آدم در آیه که در بحث دخالت دارد. گاهی تعبیر به انسان یا ناس می­شود که در قرآن هم آمده یا تعبیر به بشر یا بنی‌آدم که این چهار تعبیر در قرآن در مورد انسان آمده. ممکن است غیر این چهار تا تعابیر دیگری هم باشد اما این چهار تا خیلی رایج است. هرکدام بحث‌هایی هم به لحاظ لغت‌شناسی دارد که جای خودش.

بنی‌آدم از حیث سلسله نسبی و انتساباتی که سلسله نوع بشر به حضرت آدم دارند و از او متولد شده‌اند لذا به این نوع بنی‌آدم گفته می­شود. و کاربرد بشر و ناس و انسان و بنی‌آدم هرکدام وجوهی دارد که نمی­خواهیم وارد شویم. درهرصورت بنی‌آدم یکی از واژگانی است که اشاره به نوع انسان دارد این روشن است.

اما سؤالی که اینجا وجود دارد این است که اینجا بنی‌آدم مقصود نوع است یعنی نوع انسان با قطع‌نظر از انحلالش به افراد یا اینکه مقصود کل انسان‌ها به نحو عام مجموعی است یا اینکه اطلاقی دارد و اطلاق درواقع استغراقی دارد. این سؤالی است که وجود دارد و سه احتمالی است که متصور است.

## احتمالات در مفهوم بنی آدم

 پس مقصود از بنی آدم:

1. نوع است و نگاهی به افراد ندارد. می­گوید ما به این نوع این کرامت را بخشیدیم.
2. این جمله عام یا مطلق مجموعی است. مثل اینکه می­گوید ایمان به ائمه اثناعشر بیاور یعنی اعتقاد به مجموع بماهو مجموع مورد تأکید است و الا اگر کسی ایمان به 5 تا بیاورد به بقیه نیاورد ارزشی ندارد. حال اینجا کرمنا بنی‌آدم می­گوید مجموع بما هو مجموع را ما کرامت کردیم.
3. کرمنا بنی‌آدم یعنی مطلق استغراقی یکایک شما را ما تکریم کردیم. هم ویژگی‌های تکوینی بخشیدیم هم مجموعه حقوق تشریعی را جعل کردیم.

احتمال اول و دوم به درد بحث ما نمی­خورد. زیرا می­گوید نوع یا افراد مجموعه بما هم مجموعه‌شان تکریم شده‌اند اما تک‌تک چه؟ نمی­شود چیزی استفاده کرد. اما اگر سوی باشد می­گوید کرمنا هذا کرمنا هذا کرمنا هذا تکریم‌ها هم یعنی هم ویژگی تکوینی دادیم هم شرافت حقوقی در این صورت به بحث ما نزدیک می­شود این هم سؤالی است که کدام یک از این سه احتمال اینجاست؟ اگر احتمال یک و دو باشد در این آیه نمی­شود استفاده کرد. اما اگر احتمال سوم باشد انسان بما هو انسان کرامت و حقوقی دارد که باید رعایت شود از جمله بحث‌های معاشرتی و ...

## نظر استاد

در اینجا به نظر می­آید همین که می‌گوید بنی‌آدم یا ناس یا انسان یا مفاهیمی از این قبیل مقصود همان اطلاق استغراقی است ناظر به افراد است و افراد به نحو استغراقی است اگر بگوید اکرم الانسان یعنی کل واحد کرمنا بنی‌آدم هم یعنی کرمنا کل افرادی که در این عنوان عام و فراگیرند. ما بعید نمی­دانیم با مجموعه این پنج مبحث مهم آیه دلالت بکند انسان‌ها علاوه بر آن امتیازات تکوینی که به آن‌ها داده شرافت تشریعی هم به آن‌ها داده و قدر متیقنش جایگاهی می­شود که در ارتباطات انسانی دارد.

سؤال: محبت قلبی را هم می­گیرد؟

جواب: عرض می­کنم.

فراتر از سؤال ممکن است کسی بگوید کرمنا شامل تکلیف هم می­شود. تکریم کردیم یعنی ویژگی‌هایی به او دادیم و او را شایسته قرار دادیم که تکلیف بکنیم او را. یعنی او را مخاطب خطابات قرار دهیم این هم بعید نیست.

با این شکل آیه علاوه بر مفهوم تکوینی دارای مفهوم حقوقی فقهی می­شود.

# مطلب ششم: شمول کرامت نسبت به علاقه و محبت:

سؤال بعدی این است که آیا محبت و علاقه را می­گیرد یا نه؟ بعید نیست این را هم بگیرد زیرا مهم‌ترین شرافتی که برای یک شخص قرار داده می­شود این است که دیگران به او توجه و علاقه داشته باشند. این علاقه قلبی به شکل صرف الوجودش و بعد هم احسان و اکرام و حفظ آبرو و شخصیت او را شامل می­شود. بعید نیست آن را هم در بربگیرد.

بنابر این بحثی که امروز شروع کردیم این بود که اطلاقاتی پیدا کنیم که مبنا بشود در جایگاه دیگران به معنای عام و مقید به اسلام و ایمان هم نباشد. داریم یا نداریم؟ این آیه اولین دلیل ما بود. بعید نیست که بگوییم داریم. البته استثنا خورده کفاری که در حال جنگ با ما هستند. **﴿إِنَّما يَنْهاكُمُ اللَّه﴾**[[6]](#footnote-6)‏ یا می­گوید قاتلوهم، یا آیه این که توبیخ می­کند که **﴿تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّة﴾**[[7]](#footnote-7). اینها استثنائات است. آیات دیگری هم داریم **﴿فَتَبارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقين﴾‏**[[8]](#footnote-8) **﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في‏ أَحْسَنِ تَقْويم﴾‏**[[9]](#footnote-9) **﴿إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَليفَةً﴾**[[10]](#footnote-10) و آیات دیگر و روایات.

سؤال: ...

جواب: اطلاق داشته باشیم خیلی مهم است.

سؤال: تکوینی قابل استثنا نیست. تشریعی هست.

جواب: بله ممکن است انسان دیوانه استثنا بخورد.

سؤال: بین انسان دیوانه و حیوان فرقی است.

جواب: بله منتها کرامت تامه اینجا دیگر نیست.

1. اسراء/70. [↑](#footnote-ref-1)
2. . روم/30. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نساء/79. [↑](#footnote-ref-3)
4. . حجرات/10. [↑](#footnote-ref-4)
5. . بقره/143. [↑](#footnote-ref-5)
6. . ممتحنه/9. [↑](#footnote-ref-6)
7. . ممتحنه/1. [↑](#footnote-ref-7)
8. مؤمنون 14 [↑](#footnote-ref-8)
9. تین 4 [↑](#footnote-ref-9)
10. بقره 30 [↑](#footnote-ref-10)